

واصول آن از حروف است و اصول حروف نیز ۲۸ است، در تلفظ، چهارده حرف شمسی است و چهارده حرف قمری، و در نوشتن چهارده حرف در عموم نوشته های شرقی علامت نقطه دارد و چهارده حرف بی نقطه است، از این نمونه ای که عرض کردم آیا تصدیق نمیکنید که یک نوع رابطه عدی بین شئون زندگی و عوالم وجود برقرار است؟! گویا عدد ۲۸ از اعدادی است که در اصول زندگی و خلقت بکار برده شده؛ مناسب است یک جمله ای هم از علم قرآن عرض کنم، علمای تفسیر در باره حروف اوایل سوره هاز یاد بحث کرده اند بعضی گفته اند که این حروف مقطع اشاره است بنظامات بزرگ عالم و بقاء و ثبوت قرآن، یعنی همانطور که اصول خلقت باقی وابدیست این قرآن هم که مطابق با آن اصول است باقی وابدی خواهد بود، مؤید این نظر این است که عدد حروف اوائل سوره های قرآن هم ۱۴ میباشد.

این مضمون در سوره تبارک است که: در خلقت خدای رحمان کم و بیش نمی بینی، چندین بار چشم را باز گردان و نظر کن و بشکر آیدار این ساختمان بزرگ سستی و بی نظمی می نگری؟!؟

روابط عالم منظم، و حرکات موجودات منظم، و هندسه خلقت منظم، و روابط عددی آن روی حساب است، همه چیز و همه جا منظم است، جز زندگانی انسان که بدست خود داده شده آنها آنگاه منظم می شو که با قوانین عالم مطابق شود، و مترجم قوانین خلقت انبیاء عظام صلوات الله علیهم بوده اند، پس هر کس از قوانین خلقت و دستورات انبیاء سرپیچی کند فقط بخود ظلم کرده، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

شب یکشنبه ۳ خرداد ۴ رجب - ۲۶

(۳۲)

از نمونه های نظم و قانون ظاهر جهان، قانون جاذبه عمومی است این نیروی با اقتدار، بواسطه رشته های ناپیدای خود تمام اجسام کوچک و بزرگ جهان را برپا داشته علماء و مکتشفین طبعی از این سر بزرگ بجاذبه عمومی تعبیر کرده اند و میگویند مالفظی که از این حقیقت تعبیر کند جز کلمه جنب و جاذبه نیافتیم، فلاسه و عرفای الهی آنرا یکی از مظاهر محبت و عشق ساری در تمام موجودات میدانند، منظومه های بزرگ شمسی، بقانون محبت و جنب بدور هم می چرخند و یکدیگر حرارت و دل گرمی میدهند و در این فضای غیر متناهی مسیر عشق و کمال را روشن میکنند و با شور و شوق پیوسته بحر کت خود ادامه میدهند و احساس بختستگی نمی کنند، اجزای ناپیدای هر جسمی، بقانون جنب و محبت با

سرعت بدور هم می چرخند و این شکل‌های منظم اجسام گوناگون را ظاهر میسازند، بهمین قانون، اجتماعات بزرگ برپا است و کانون زندگی گرم است، و پدرها بسرپرستی و مادرها بادلگرمی باداره اطفال و خانه و ادامه زندگی می پردازند، و همه زحمت ورنچرا انسان باخوشی متحمل میشود، و محبت بکمال. و علم و خدمت و جمال است که هر طبقه‌ای را بوظایف مخصوص خود و امیدارد، و هر چه محبت و شوق بیشتر شود کار کامل و بیشتر میشود پس قانون محبت و جذب و رحمت، از قواعد عمومی عالم است که در همه جا و هر نقطه از جهان نفوذ کرده، و در دل هر موجودی راه یافته و در سراسر جهان کرسی خود را مستقر نموده و خیمه خود را برافراشته است

| | |
|----------------------------|-----------------------------|
| هر که راجامه ز عشقی چاک شد | ا وز حرص و عیب کلی پاک شد. |
| شاد باش ای عشق پرسودای ما | ای طیبب جمله علت های ما . |
| ای دوی نخوت و ناموس ما | ای تو افلاطون جالینوس ما . |
| جسم خاک از عشق بر افلاک شد | کوه در رقص آمد و چالاک شد . |
| عشق جان طور آمد عاشقا | طور مست و خر موسی صعقا . |
| بالب دمساز خود گر جفتمی | همچونی من گفتنی ها گفتمی . |

در هر گوشه جهان و زندگی اگر اندکی بایه این عرش رحمت و محبت سست شود کدورت و دلسردی رخ میدهد و بساط هستی و زندگی مختل میشود، و منظومه‌های شمسی بهم میخورند و اجسام متلاشی میشود و زندگی برکنده می گردد، یکی از دشمنان میگوید در تمام عالم بریشانی و بدبختی فقط یکی است و آن نبودن محبت است، در قرآن کریم میگوید: خدای رحمان بر عرش مستقر شده. زیرا که اساس عالم بزرگ که عرش الهی است بر پایه‌های رحمت برپا مانده، در هر جا این عرش رحمت، ظهور و شعبه نفوذی دارد چون هر موجودی بفراخور خود از رحمت و محبت بهره مند است، گناهان بزرگی که در قرآن وعده آتش و عذاب برای مرتکب بآنها داده شده، همان گناهها و جنایاتی است که اساس محبت و روابط انتظامی و قانونی را سست یا قطع می کند، دلسرد کردن مدیران دلسوز و حقیقی اجتماع و اشخاص خدمتگذار، خوار نمودن یتیم، دریدن پسرده عفت، و خارج کردن زن را از کانون محبت اداره منزل و تربیت اولاد، جنایاتی است که قابل بخشش نیست چون عرش رحمت خدا را متزلزل می کند. برای هر موجودی يك منظومه حیاتی است که همان کانون عشق و محبت او است، و خارج شدن از آن منظومه آسان نیست، اگر يك سیاره در میان میلیونها سیارات از منظومه خود خارج شود در تمام عالم اختلال و بی نظمی رخ میدهد اگر اجزای جسم را از مدار ناپیدای خود خارج کنند طوفان و صاعقه ایجاد می کند، باین جهت انفجار اتم بس مهیب و وحشتناک است! يك ملت زنده ایرا از محور دین و ملیت نمیتوان خارج نمود مگر پس از انقلاب های بزرگ، بهم زدن محیط

خانواده گی صحیح و بریدن رشته محبتیکه میان افراد آنست البته دفعتا آسان نیست ، کسانیکه بخواهند این اساس را بهم زنند تا بالنتیجه رشته ارتباط يك جامعه بزرگ سست شود ، سالها تبلیقات می کنند و بهزارها نام زیبا و نشریات دلربا فحشاء و بی عقبتی را ترویج می کنند و بدست جهال و جنایت پیشگان خودشان ، پایه محبت و علاقه بزنگی را در میان مردها و زنها و خانواده که سلول اول اجتماعند متزلزل می نمایند ، آنکاه بمقاصد شوم خود نائل میشوند !!

از این بیان تا اندازه معلوم شد که جاذبه محبت از حقایق عمومی عالم است و عرش خداوند بزرگ همین جذب و رحمت میباشد ، فواصل و حرکات منظم اثر قوانین جاذبه عمومی است ، حرکات سیارات را عموم مردم تا اندازه متوجه اند ، چون طلوع و غروب آفتاب و پی در پی آمدن فصول و اختلاف شب و روز همه از آثار همین حرکات منظم است ، در هزارها سال پیش در چنین روزی آفتاب در ساعت و دقیقه و ثانیه معین طلوع و غروب نموده امروزه همین است هزارها سال بعدهم چنین خواهد بود . فواصل سیارات هم مانند حرکات آنها در تحت نظم و قوانین ثابتی است که نمونه ای از آن چنین است اگر فاصله دوری عطارد را از آفتاب صفر فرض کنیم و زهره را ۳ ، زمین را ۶ ، و مریخ را ۱۲ و ستاره مجهول را ۲۴ ، و مشتری را ۴۸ ، و زحل را ۹۶ ، با این فرض قدری نظم معین فواصل سیارات را فهمیده ایم که بانسبت معین هندسی میباشد ، فواصل اجزاء سیاره هرزده جسمی باهمه مرکزی آن نیز قانون منظمی دارد .

یکی دیگر از قوانین جاذبه عمومی قانون مربع بعد است ، این قانون در جذب و سنگینی جسم و شدت حرارت و نور و صوت بکنواخت جاری است ، چند مثال برای فهم عموم می آورم تا حساب نظم عالم را عموم متوجه شوند و این مثالها را نمونه بدانند از نظامات بزرگ جهان ، اگر دو قطعه چوب را که از حیث وزن و اندازه یکی باشند با فاصله دو متر روی آب رها کنیم روی قانون جاذبه عمومی این دو بتدریج بهم نزدیک میگرددند ، اگر فرض کنیم در هر ثانیه يك متر بیکدیگر نزدیک میشوند ، پس از آن آنها را چهار متر از هم دور قرار دهیم می بینیم با آنکه بعد دو مقابل زیاد شده ولی نزدیک شدن آن دو بیکدیگر در هر ثانیه يك چهارم متر است ، همین قانون مربع بعد در سنگینی جسم هم جاری است ، اگر يك جسمی را صد متر از زمین بالا بردیم و در آنجا وزن آن چهار کیلو بود چون دو بیست متر بالای زمین همان جسم را بتوانیم وزن کنیم يك کیلو خواهد بود ، در صوت نیز این قانون جاری است ، اگر چهار زنگ را در چهل متری خود قرار بدهیم و يك زنگ مانند آنها را در بیست متری قرار دهیم ، صوت آن چهار زنگ مانند آن يك زنگ خواهد بود - نور هم از این قانون خارج نیست بجای زنگها چراغ بگذارید می بینید نور چراغ نزدیک با چهار چراغ دور یکسان است ، چراغها را بردارید

بجای آنها بخاریهای متساوی در حرارت بگذارید، همین قانون را مشاهده می کنید، پس در خلقت عالم یکنوع قوانین منظمی حکومت دارد، و این قوانین در زمین ما و فضا و سیارات دور همه یکسان است باین جهت باید معتقد شویم که یک اراده و قدرت در تمام عالم حکومت دارد. اصول زندگی ما روی زمین وابسته بنور و حرارت و صوت و جاذبه است و تمام اینها دارای قانون واحد و منظمی هستند، در قاص ساعت و بازوی قیام نیز نسبت بکوتاهی و بلندی آنها همین قانون را مینگرید. از قوانین جاذبه عمومی قانون سقوط جسم است که آنهم بحسب قانون منظم عددیست اگر ثانیه اول سقوط را یک فرض کنیم، در ثانیه دوم ۳ در ثانیه چهارم ۵ و در ثانیه پنجم ۷ خواهد بود، در ثانیه اول اگر جسم ۱۶ قدم مسافت سقوط کند، بنابراین در ثانیه دوم ۱۶ ضرب در ۳ در ثانیه سوم ۱۶ ضرب در ۵ خواهد بود. اینها چند نمونه ایست برای توجه بقوانین عمومی و ثابت جهان، بر انسان است که در این قوانین تدبیر کند تا عظمت و وحدت خالق را در این خطوط برجسته بخواند و برای پیشرفت زندگی از اینها استفاده کند و بر مسلمانهاست که بر موز دین و کتاب آسمانی خودشان بینا شوند، و از روی آیات خلقت آیات قرآن را بهتر بفهمند، آنجا که میگوید: کرسی خدا آسمانها و زمین را فرا گرفته. آسمانهای برافراشته را شما بدون ستون می بینید؟! آسمان دارای رشته های بهم پیوسته است. برای خداست آنچه در آسمان و زمین است و همه خاضع و فروتن برای حقند. در زمین چنان محبت سرشار قرار دادیم که زنده و مرده شمارا در آغوش گرفته و به پرواز درآمده برای خدا سجده می کند آنچه در آسمانها و زمین است. هر چیزی برای خدا تسبیح می کند و ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید. خداست که آسمان و زمین را بهم پیوسته داشته تا از هم متلاشی نشوند. **تالین «طالقانی و زمانه ما»**

اینها ترجمه و مضمون بعضی از آیات کتاب آسمانی شما است که میخواهد پیروان خود را بنظامات بزرگ عالم متوجه کند. اگر مسلمانها از قرآن و هدایت او پیروی میکردند مانند پدران بزرگ خود امروز همه چیز داشتند، چراغ علم بدست آنها بود و رهنمای خلق جهان بودند، شایسته ترین ملل بودند که قدرت علم را برای خدمت بخلق و روشن کردن راه خدا و برقرار نمودن عدالت بکار برند، نه آنکه علم و صنعت را وسیله درندگی و خوردن ضعیف و ماده پرستی قرار دهند!! تاریخ بهترین شاهد تربیت قرآن است. خداوند این ضعف و پراکنندگی را از میان مسلمانان برطرف کند و همه را در پناه خود بدارد.



10007500077478

کتابخانه مرکزی دانشگاه



کتابخانه مرکزی
Central Library
Tebran University